

آفار دتھمنٹ

درستی های
تاثیر
و اثر

دوم دبیرستان

ویژگی کنکور

پدید آورندگان:
بهمن دانشیان، محمد نقده دوز طهرانی

انتشارات
علمی
آفار

آفار

phare
www.pharepub.com

به نام خداوند جان و خرد

مجموعه‌ای که پیش رو دارید، شامل قواعد عربی سال دوم متوسطه است.

عربی سال دوم در سوالات قواعد به خصوص تجزیه و ترکیب خیلی مهمه، واسه همین یه مرور کامل و جمع و جور واسه‌تون آوردیم (همون آفاردئون عالی خودمون).

نمودارها رو دریابید، مثال‌ها خیلی مهم‌اند و در پایان، پایانه‌ی ترکیب تشریحی بهترین سنجش شما برای امتحانات تشریحی است. تست‌هامون مثل همیشه تمام نکات رو پوشش دادند ولی مفید با پاسخ‌های تشریحی کاربردی که فقط برای بچه‌های فار هستند. با تشکر از نگاه منتقد و دقیق سرکار خانم هدایتی برای ویراستاری.

به امید موفقیت روزافزون همه‌ی شما

نمادهای به‌کار رفته در این آفاردئون:

فهرست: بلافاصله بعد از يك تست می‌آید و شما را با نکته‌ای که آن تست دارد آشنا می‌کند.

📌 : جغد دانا که دقتش خیلی بالاست؛ هر جا دلش خواست می‌آید و حرفی و نکته‌ای و توصیه‌ای می‌گوید.

فهرست

۳	معرفه و نکره.....
۴	انواع اعراب
۱۰	اعراب محلی
۱۱	اعراب تقدیری
۱۴	وصف و اضافه
۲۱	پایانه‌ی ترکیب تشریحی



انتشارات علمی فارس

تلفن: ۶۶ ۵۹ ۷۹ ۹۹

www.PharePub.com

ISBN:978-600-7926-05-5



9

786007

926055

ویراستار علمی و ادبی: نازنین هدایتی

حروفچین و صفحه‌آرا: سمیه بهرامی

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

معرفه و نکره



■ نکره

اسمی که نزد شنونده شناخته شده نیست: مردی
 علامت نکره در فارسی «یک» قبل از کلمه و یا حرف «ی» در آخر کلمه
 است و در عربی تنون (هـ) در یک اسم عام، نشانه نکره بودن است.

■ معرفه

اسمی که نزد شنونده شناخته شده باشد: کعبه
نکته: نبودن (هـ)، دلیل بر معرفه بودن کلمه نیست.
 همچنین ممکن است کلمه دارای تنوین، معرفه باشد.

معارف شش بود، مضمراً، اضافه علم، ذواللام، موصول و اشاره

۱. ضمائر: هی - أنتم - ک - إیّاهم

۲. موصولات: الذی - التی - من - ما

۳. اسم های اشاره: هذا - هذه - هؤلاء

۴. اسم دارای (أل) ذواللام: الکتاب

۵. اسم های مضاف: بیّتی - کتابُ الله

۶. اسم های خاص (عَلَم): کعبه - ایران

اسم علم «خاص»:

اسمی است که فقط یک نمونه از آن وجود دارد. مانند اسم
 انسان ها که هر یک منحصر به فرد است و یا اسامی شهرها و
 کشورها، مثل ایران، که در کل جهان فقط یکی از آن وجود دارد.
نکته: «ال» و «تنوین» هیچ‌گاه با هم، بر روی یک کلمه، قرار نمی‌گیرند.
 کلماتی نظیر «الله»، «القرآن» و «الحسین» با این‌که «ال» دارند،
 ولی معرفه به علم محسوب می‌شوند.

اگر به یک اسم نکره، اسمی معرفه، اضافه شود، آن اسم نکره
 نیز معرفه خواهد شد و به آن معرفه به اضافه گویند.

معرفه به اضافه ال و تنوین نمی‌گیرد.

اسم نکره، تنها هنگامی معرفه به اضافه می‌شود که مضاف‌الیه
 آن معرفه باشد ولی اگر مضاف‌الیه نکره باشد، آن اسم همچنان
 نکره خواهد ماند.

کتابُ علیّ معرفه به اضافه

کتابُ تلمیذ نکره

نکره

اگر چند اسم نکره پشت سر هم بیاید ولی در آخر، یک اسم
 معرفه به آن‌ها اضافه شود، تمامی آن اسم‌های نکره، معرفه
 خواهند شد.

الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه

علم علم اضافه اضافه اضافه معرفه به ال

کلمات «رب» و «اله» به تنهایی نکره هستند.

☞ معرفه و نکره بودن از ویژگی‌های اسم است پس «فعل‌ها» و
 «حرف‌ها» معرفه و نکره ندارند. (در تجزیه دقت کنید.)

☞ اسم نکره قبل از اسم معرفه، معرفه به اضافه محسوب می‌شود
 ولی اگر بعد از یک اسم نکره جار و مجرور بیاید، آن اسم نکره معرفه
 به اضافه نخواهد شد.

مثال:

شوارع فی المدینه

المدینه

شوارع

نکره معرفه به «ال»

معرفه به اضافه معرفه به «ال»

- ۱ - عین ما فیه من الأسماء النکره: (فنی و حرفه‌ای ۸۹)
- ۱) لا بأس! أنتِ اِحمل القربة لانتِ اقدر منی علیها!
- ۲) هناك العیون التي تَسرُّ من یَنظُرُ إليها!
- ۳) بعد تناول العشاء شعرت بالتعاس فذهبتُ للنوم!
- ۴) صدیقک من یُرشدک إلى الأعمال الحسنه!

فأركب: اسم بعد از «بأل»، «فال» معرفه به «ال» حساب می‌شود.

بالمؤمنين

فَالْإِنْسَانِ

«المؤمنين» معرفه به «ال» «الإنسان» معرفه به «ال»

۲- عَيْن ما لیس فيه المَعْرِفَ بالإضافة: (سنجش ۹۱)
(۱) أنا تلميذة مجتهدة أعمل بجدّ و نشاط في الحياة!
(۲) ستقيم المدرسة حفلة لتكريم الناجحين!
(۳) عندي امتحان و لا وقت لي الآن للكلام معك!
(۴) لا يخضع المؤمن لغير خالقه الكريم!

۳- عَيْن العبارة التي فيها المعارف أكثر: (سنجش ۹۱)
(۱) وَضِعَ الإحسان في غير موضعه ظلم!
(۲) إِنَّ أَخَاكَ لا ينسى هذه المناسبة!
(۳) كَانَ عَلَيَّ أَنْ أدرس وحدي!
(۴) إن تُساعد الفقير فهو خير لك!

۴- عَيْن العبارة التي ما جاء فيها اسم نكرة: (سنجش ۹۱)
(۱) كلّ إنسان يصبر في المصاعب يدرك بصبره منزلة الصابرين!
(۲) نحن بحاجة إلى إرشادات معلّمينا الكرام طول الحياة!
(۳) لا يكذب الذي يعرف حقيقة الدنيا و الآخرة!
(۴) إنني زينت سقف غرفتي بمصاييح ملوّنة!

۵- «إنّهُ صديقي الرّحيم، هو ذو الكرم و يعطى ذا الحاجة كلّ ما يحتاج إليه!». عَيْن المَعْرِفَ بالإضافة كلّهُ: (سنجش ۹۱)
(۱) صديق، الكرم، ذو، كلّ
(۲) صديق، ذو، ذا، كلّ
(۳) ي، الرّحيم، ذا، ما
(۴) الرّحيم، الكرم، ذو، كلّ

۳, ۲

انواع اعراب


کلمه‌ی معرب به چهار حالت در جمله دیده می‌شود که عبارتند از:


رفع، نصب، جرّ، جزم


يك اسم معرب، می‌تواند دارای دو اعراب **ظاهری و تقدیری** باشد. اعراب ظاهری این است که علامت و نشانه اعراب در ظاهر کلمه نمایان است ولی اعراب تقدیری این است که اعراب کلمه در تقدیر است. (یعنی پوشیده و پنهان است) و بر روی آن قرار داده نمی‌شود و برعکس اعراب محلی که کلمات دارای يك حرکت ثابت هستند، در اعراب تقدیری حرف آخر کلمه، اصلاً حرکت ندارد. **اعراب ظاهری به دو نوع تقسیم** می‌شود که عبارتند از:

۱- ظاهری اصلی


۲- ظاهری فرعی


۲.  اسم‌های معرفه به اضافه در سایر گزینه‌ها:


 ۲ تکريم


 ۳ عند - مع (هر دو به ضمير اضافه شده‌اند).

 ۴ غير، خالق


۳.  بررسی گزینه‌ها:

 ۱ وضع، غير، موضع (معرفه به اضافه) - الإحسان (به ال) - ه (به ضمير) [۵ معرفه دارد].

 ۲ أخ (معرفه به اضافه) - ك (به ضمير) - هذه (معرفه به اشاره) - المناسبة (به ال) [۴ معرفه دارد].

 ۳ ی، ی (معرفه به ضمير) - وحد (معرفه به اضافه) [۳ معرفه دارد].


 ۴ الفقير (به ال) - هو، ك (معرفه به ضمير) [۳ معرفه دارد].

۴.  اسم نکره در سایر گزینه‌ها: (هر گزینه‌ای که يك اسم نکره داشته باشد، نمی‌تواند پاسخ باشد).

 ۱ كلّ - إنسان

 ۲ حاجة

 ۳ مصاييح - ملوّنة

۵.  سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که تمام اسم‌های معرفه به اضافه در آن موجود هستند. کلمات «الكرم - الرحيم - الرحيم» به ترتیب در گزینه‌های (۱ و ۳ و ۴) معرفه به اضافه نیستند.

■ اعراب اصلی:

اعراب ظاهری اصلی این است که برای نمایش حرکت کلمه، از علامت‌های قراردادی و اصلی که همان فتحه، کسره، ضمه و سکون است، استفاده شود.

شباهت اعراب اصلی و فرعی: در هر دو مورد، علامت و نشانه‌ی اعراب، در ظاهر کلمه نمایان است.

تفاوت: در اعراب فرعی، به جای علامت‌های فتحه، کسره، ضمه و سکون (برای نمایش نصب، جر و رفع و جزم) از حرکت‌ها و یا حروف دیگری استفاده می‌شود. مثلاً در حالت جری، به جای کسره از فتحه، استفاده می‌کنیم. به نمونه‌ی زیر توجه کنید:

إِذْهَبْ إِلَى سَعِيدٍ إِذْهَبْ إِلَى مَرِيَمَ

در هر دو مثال، حرف جر «إِلى» آمده و کلمه‌ی بعدی نقش مجرور به حرف جر را دارد و حرکت کلمه، در ظاهر آن‌ها پیدا است. ولی در مثال دوم، به جای کسره (که علامت استاندارد و قراردادی برای نمایش حالت جر است) حرکت فتحه به کار رفته است. پس می‌گوییم که کلمه‌ی «مریم» دارای اعراب ظاهری فرعی است.

هُوَ مَعْلَمٌ جَاءَ صَدِيقٌ مُحَمَّدٌ

خبر و مرفوع فاعل و مرفوع مضاف‌الیه و مجرور

کلمات پس از «جاء» نقش فاعل را دارند و باید مرفوع باشند و در مثال اول مرفوع بودن فاعل را با حرکت ضمه نشان دادیم ولی در مثال دوم، از حرف (و) به جای (به نیابت از) حرکت ضمه، استفاده کردیم. در واقع گاهی به جای حرکات اصلی، يك حرکت دیگر و یا حتی يك حرف، به نیابت از حرکت اصلی کلمه می‌آید. (اعراب فرعی)

■ اعراب فرعی:

۱. حرف به نیابت از حرکت ۲. حرکت به نیابت از حرکت

۱. حرف به نیابت از حرکت

يك حرف، به جای حرکت اصلی می‌آید، که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. اسم‌های مثنی:

می‌دانیم که برای ساخت اسم‌های مثنی باید به آخر آن‌ها، یکی از دو علامت «ان» و یا «ین» را اضافه کنیم. اگر آن اسم در موقعیت رفعی بود، از «ان» و اگر در موقعیت نصبی و یا جری بود، از علامت «ین» استفاده می‌کنیم.

اسم مثنی انِ رفعی ینِ نصبی و جری

در اسم‌های مثنی حرف (ا) به جای حرکت ضمه می‌آید.

جاء المعلم ← جاء المعلمان

در «معلمان» حرف «الف» اعراب آن و حرف «ن» نشانه‌ی مثنی بودن آن است.

رأيت المعلم ← رأيت المعلمين

مفعول و منصوب مفعول و منصوب (حرف «ی» به نیابت از به فتحه (اصلی) به «ی» (فرعی) حرکت فتحه آمده است.)

سَلَّمْتُ عَلَى الْمَعْلَمِ ← سَلَّمْتُ عَلَى الْمَعْلَمِينَ

مجرور به حرف حرف «ی» به نیابت از حرکت کسره (فرعی)

جر (اصلی)

اسم مثنی

۱ ← معلمان (رفعی)، ی ← معلمین (نصبی)، ی ← معلمین (جری)

۲. اسم‌های جمع مذکر سالم:

در حالت رفعی با «ون» و در حالت نصبی و یا جری با «ین» می‌آیند. **ون** رفعی (و) نشانه‌ی رفع

ین نصبی و جری (ی) نشانه‌ی نصب و جر

در جمع‌های مذکر سالم، حرف (و) به نیابت از ضمه و حرف (ی) به نیابت از حرکت فتحه و یا کسره می‌آید.

جاء المعلمون

فاعل و مرفوع به (و) (حرف (و) به نیابت از حرکت ضمه)

رأيت المعلمين

مفعول و منصوب به «ی» (حرف (ی) به نیابت از حرکت فتحه)

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُعْلَمِينَ

مجرور به حرف جر (حرف (ی) به نیابت از حرکت کسره)